

چالش جدید برای قدرت کیم جونگ اون

نزدیک شدن زیاد پیونگ یانگ به مسکو، باعث ایجاد شکاف داخلی در کره شمالی شده است

کره شمالی نداشته است.

در بحبوحه این تغییر، چندین حادثه دیگر به شکاف فزاینده بین پیونگ یانگ و پکن دامن زد. در ژوئیه گذشته، گزارش‌ها حاکی از آن بود که کیم به دیپلمات‌های کره شمالی در پکن دستور داده است که هنگام انجام وظایف خود «به چین توجه نکنند». سپس شایعاتی مبنی بر قصد چین برای اخراج کارگران کره شمالی از این کشور منتشر شد. آشکار شد که تسلط چین بر کره شمالی در حال تضعیف است و پکن در بحبوحه مشکلات اقتصادی خود، توجه زیادی به تحولات شمال ندارد و این مسئله باعث ایجاد فضایی برای مسکو شد. هنگامی که نیروهای کره شمالی در ابتدا به روسیه اعزام شدند، ایالات متحده شروع به اعمال فشار بر چین برای انجام کاری در مورد همکاری رو به رشد بین دو کشور کرد. پکن که به سرمایه‌گذاری بیشتر ایالات متحده نیاز داشت، تمایل خود را برای بحث در مورد این موضوع ابراز کرد و این امر به روابط خود با پیونگ یانگ آسیب بیشتری رساند.

در همین حال، اطلاعات کره جنوبی بارها اطلاعاتی را در مورد گروهی از مقامات عالی‌رتبه کره شمالی که نسبت به اقدامات اخیر کیم نگران شده‌اند، به اشتراک گذاشته است. طبق گزارش‌ها، آنها با تصمیم کیم جونگ اون برای اعزام نیرو به روسیه در ازای حمایت اقتصادی و نظامی که به اعتقاد آنها کمتر از آنچه چین می‌تواند ارائه دهد، قابل اعتماد است، مخالف بودند. (زمان افشاگری‌ها جالب است؛ کره جنوبی ممکن است در تلاش باشد تا توجه را از مسائل سیاسی خود منحرف کند - اگر چه علاقه‌ای به هشدار به جهان در مورد کودتای احتمالی که می‌تواند کل منطقه را به لرزه درآورد نیز دارد.) در این گزارش‌ها همچنین آمده است که اعضای این جناح فکر می‌کردند که استفاده کیم از مجازات اعدام بیش از حد شده است. سپتامبر گذشته، او در یک روز ۳۰ مقام کشور را به دلیل ناتوانی در جلوگیری از سیل شدید در کشور اعدام کرد. این جناح همچنین ظاهراً در مورد جایگزینی سیستم جانشینی موروثی کره شمالی بحث کرده است.

❖ رقیب اصلی

گزارشی که این ماه توسط سرویس تحقیقاتی مجلس ملی کره جنوبی منتشر شد، نشان داد که چو به عنوان رهبر این گروه ظهور کرده است. طبق گزارش‌ها، دیگر شرکت‌کنندگان کلیدی شامل چهره‌های نظامی ری یونگ گیل، نو کوانگ چول و کیم سو گیل و همچنین نخست‌وزیر کابینه پاک تائه سونگ هستند. در ماه‌های اخیر، حضور عمومی چو افزایش یافته است و نکته مهم این است که او همچنین در رویدادهایی که کیم به دلایل نامعلومی در آنها غایب بود، مانند جلسه دوروزه پارلمان در ژانویه و بازدید سالانه از مقبره پدریزرش کیم ایل سونگ در سالروز تولد بنیانگذار فقید در آوریل، حضور داشت. در حالی که چوئه هرگز علناً از تصمیم کیم برای نزدیکی به روسیه به جای چین انتقاد نکرده است، شایعات مداوم در مورد اختلاف، گنجاندن نام او در گزارش اطلاعاتی، تثبیت غافلگیرکننده قدرت او و روابط دیرینه‌اش با پکن نشان می‌دهد که نقطه اصلی اختلاف بین او و کیم بر سر روابط کره شمالی با چین و روسیه است. علاوه بر این، چوئه یک رهبر نظامی است که به خاطر فداکاری‌اش برای نیروهای مسلح شناخته شده است، بنابراین بسیار محتمل است که او نمی‌خواسته شاهد اعزام نیرو به روسیه و احتمالاً مرگ آنها به خاطر اتحادی باشد که آن را متزلزل می‌دانست. یکی از عناصر شگفت‌انگیز این داستان این است که چوئه با وجود انتشار نقشش در مخالفت با رژیم کیم، هنوز زنده است. اینکه او توانسته است موقعیت سیاسی خود را در تمام این مدت حفظ کند، نشان می‌دهد که او می‌تواند توسط یک نیروی خارجی (احتمالاً چین) حمایت شود که می‌توانسته در افشای اطلاعات مربوط به مبارزه قدرت نیز نقش داشته باشد.

در بحبوحه عدم قطعیت در خصوص تعریف‌های ایالات متحده، پکن با شرکای خود، از جمله ژاپن و کره جنوبی، تماس گرفته است تا پاسخی مشترک به سیاست تجاری ایالات متحده ایجاد کند. در آخرین نشست سه‌جانبه، توکیو و سئول تهدید هسته‌ای پیونگ یانگ را به عنوان مانع اصلی بهبود روابط ذکر کردند و این نشان‌دهنده خواست آنها از پکن برای مهار جاه‌طلبی‌های هسته‌ای پیونگ یانگ است. اکنون به نفع چین است که این همکاری سه‌جانبه را دنبال کند. اما با توجه به پیمان کره شمالی با روسیه و نزدیکی روزافزون کیم به پوتین، برای چین دشوار خواهد بود که دوباره بر کره شمالی تسلط یابد؛ مگر اینکه بتواند از یک چهره برجسته که قبلاً پایگاه قدرتی ایجاد کرده است که می‌تواند تصمیمات کیم را به چالش بکشد، حمایت کند. اگر چوئه و گروه حامیانش موفق به سرنگونی رهبری فعلی شوند، به احتمال زیاد به معنای تغییر در سیستم اتحاد در شرق آسیا خواهد بود. چین به عنوان حامی این جناح، می‌تواند نفوذ خود را بر کره شمالی بازیابد، مذاکرات هسته‌ای را از سر بگیرد و در نتیجه اتحاد با ژاپن و کره جنوبی را پیش ببرد. این امر حتی می‌تواند منجر به بهبود روابط ایالات متحده و چین شود، با توجه به اینکه واشنگتن مدت‌هاست می‌خواهد پکن تهدید کره شمالی را مدیریت کند. مهار پیونگ یانگ حتی می‌تواند به تلاش پکن برای میانجیگری در مذاکرات صلح روسیه و اوکراین کمک کند. این کار احتمالاً مسکو را آزار می‌دهد، اما روابط روسیه و چین به‌رغم اظهارات هر دو طرف که خیلی دوستانه به نظر می‌رسد، شکاف‌های عمیقی دارد. چین مطمئناً می‌تواند از کمک به رهبر جدید کره شمالی برای به قدرت رسیدن سود ببرد. اما همچنین باید در نظر داشته باشد که خانواده کیم دهه‌هاست که قدرت را در دست دارند و اجرای چنین کاری، حداقل آسان نخواهد بود.

کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، ممکن است با تهدید جدیدی برای تسلطش بر قدرت، به رهبری کسی جز دست راست خودش، روبه‌رو شود. طبق گزارش اخیر اطلاعاتی کره جنوبی، چوریونگ هائه - رئیس کمیته دائمی پارلمان کره شمالی و معاون رئیس کمیسیون امور دولتی - در حال ایجاد پایگاه حمایتی متشکل از چهره‌های قدرتمند نظامی و سیاسی است که به طور فزاینده‌ای از رهبری کیم ناراضی هستند. این اولین گزارشی نیست که نشان‌دهنده جدال قدرت در درون دولت در پیونگ یانگ است، اما ممکن است دقیق‌ترین گزارش باشد. با توجه به ویژگی تحلیلی این گزارش، احتمالاً رقابت بین کیم و چو چیزی بیش از یک درگیری سیاسی است. در نهایت، اگر چو در به چالش کشیدن رهبری کیم موفق شود، نه‌تنها می‌تواند منجر به انحلال سیستم جانشینی موروثی کره شمالی شود، بلکه روابط را در سراسر منطقه و فراتر از آن نیز متزلزل خواهد کرد.

❖ ستاره در حال ظهور

چوئه، سومین مقام عالی‌رتبه کره شمالی پس از کیم و نخست‌وزیر پاک تائه سونگ، از دهه ۱۹۷۰ سابقه طولانی و موفقیتی در عرصه سیاسی و نظامی داشته است. با این حال، او تنها پس از به قدرت رسیدن کیم در اواخر سال ۲۰۱۱ توسط عموم مردم کره شمالی به‌طور گسترده شناخته شد. او نقش مهمی در تضمین رهبری کیم پس از مرگ کیم جونگ ایل ایفا کرد. در آن زمان، بخش بزرگی از مقامات کره شمالی از جانگ سونگ تانگ (که گمان می‌رود در ماه‌های منتهی به مرگ کیم جونگ ایل به عنوان رهبر بالفعل خدمت کرده باشد) برای این نقش حمایت کردند و معتقد بودند که کیم جونگ اون برای رهبری ملت بسیار بی‌تجربه است. در سال‌های پس از آن، چو به عنوان یکی از نزدیکترین دستیاران سیاسی کیم خدمت کرد. کیم بارها چو را برای مذاکرات مهم به چین فرستاد. اولین سفر چو به آنجا در سال ۲۰۱۳ بود؛ زمانی که روابط بین پکن و پیونگ یانگ به دلیل جاه‌طلبی‌های هسته‌ای پیونگ یانگ متشنج شده بود، چو با اعضای عالی‌رتبه حزب کمونیست چین در مورد از سرگیری احتمالی مذاکرات شش‌جانبه برای حل مسالمت‌آمیز مسئله هسته‌ای گفت‌وگو کرد. اگر چه مذاکرات ناموفق بود، اما گفت‌وگو بین چین و کره شمالی پس از این دیدار شدت گرفت. به نظر می‌رسید نفوذ چوئه در سال ۲۰۱۶، زمانی که به مدت سه ماه کاملاً از انظار عمومی ناپدید شد، از بین رفته است. (قبل از این زمان، او همیشه در رویدادهای عمومی حضور داشت و اغلب در کنار کیم ظاهر می‌شد.) وقتی نام او در لیست شرکت‌کنندگان در یک مراسم تشییع جنازه دولتی قرار نگرفت، شایعاتی مبنی بر پاکسازی او توسط دولت منتشر شد؛ دولتی که از زمان به قدرت رسیدن کیم، بسیاری از مقامات ارشد را حذف کرده بود. وقتی چوئه دوباره ظاهر شد، اطلاعات کره جنوبی معتقد بود که او تحت یک «برنامه بازآموزی» قرار گرفته است؛ نوعی مجازات که وقتی چهره‌های سیاسی برجسته به رهبر عالی بی‌وفایی نشان می‌دهند، استفاده می‌شود. برای بسیاری دیگر، این امر عملاً به حرفه سیاسی آنها پایان می‌داد. اما چوئه یک سال پس از بازگشتش، با تبدیل شدن به رئیس اداره سازماندهی و ارشاد، که انتصابات کلیدی پرسنل در حزب حاکم را کنترل می‌کند، توانست قدرت خود را تثبیت کند. در حالی که او در اواخر دهه ۲۰۱۰ و اوایل دهه ۲۰۲۰ حضور عمومی خود را کاهش داد، نفوذ او هم در حزب و هم در ارتش (به عنوان رهبر سیاسی نیروهای مسلح کره شمالی) به خوبی تثبیت شده است. او نقش خود را به عنوان دست راست کیم تثبیت کرد و از موقعیت خود برای انتصاب چهره‌های کمتر شناخته‌شده و جاه‌طلب حزب به سمت‌های ارشد استفاده کرد و بدین ترتیب وفاداری آنها را به دست آورد و پایگاهی از حمایت برای خود ایجاد کرد. چنین مانورهایی در کشوری که قدرت و اقتدار در دست کیم جونگ اون متمرکز است، بی‌سابقه است.

❖ زاویه نگاه چین

چو چندین سال است که رابط حیاتی با چین بوده و سفرهای مکرری به پکن داشته، از مقامات ارشد چینی در بدو ورودشان به پیونگ یانگ استقبال کرده و در مورد راه‌حل دیپلماتیک برای مسئله هسته‌ای مذاکره کرده است. درحالی‌که این مذاکرات در این زمینه نتیجه‌چندانی نداشته است، چو موفق شده است در مورد شرایط تجاری بهتر با چین و حتی کمک مالی مذاکره کند، که به پیونگ یانگ کمک کرده است تا با تحریم‌ها و بحران اقتصادی طولانی‌مدت مقابله کند. آخرین دیدار رسمی بین چو و یک مقام چینی (ژائو لچی، قانونگذار ارشد) در آوریل ۲۰۲۴ برگزار شد؛ زمانی که این دو توافق کردند که همکاری سیاسی و اقتصادی بین کشورهای خود را افزایش دهند.

با این حال، از آن زمان، روابط کره‌شمالی با چین رو به وخامت گذاشته است. تابستان گذشته، کیم و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، پیمانی در مورد همکاری‌های دفاعی و اقتصادی مشترک امضا کردند. آنها شش‌جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین را در مذاکرات منتهی به امضا، شرکت ندادند. کیم متعاقباً برای مدرن‌سازی قابلیت‌های نظامی کشورش به روسیه روی آورده است. مسکو سیستم‌های دفاع هوایی ارسال کرده، فناوری‌های موشک‌های بالستیک بین‌قاره‌ای را فراهم کرده و موافقت کرده است که هواپیماهای جنگنده را در اختیار پیونگ یانگ قرار دهد. همچنین در ازای حضور سربازان کره شمالی در کنار سربازان روسی علیه اوکراین، مواد غذایی، فناوری فضایی و کمک‌های مالی ارائه داده است. در این مدت، چین اعلام کرده است که اگر پیونگ یانگ هر نوع درگیری نظامی را آغاز کند، به کره‌شمالی کمک نخواهد کرد و تمایلی به ارائه پشتیبانی نظامی که از روسیه دریافت می‌کند، به

س‌ها هستند

نظامی یمن را برای دفاع از مرز خود با حوثی‌ها در شمال کوه‌های صعده و جلوگیری از پیشروی آنها به خاک عربستان سعودی اعزام کرد.

عربستان سعودی نمی‌خواهد یمن باثبات شود. با این حال، پیگیری چنین هدفی در یمن نامنظم بوده است، زیرا در ابتدا حوثی‌ها را برای تضمین شکست جنبش اسلامی وابسته به اخوان المسلمین یمن توانمند کرد. محمد بن‌سلمان نمی‌خواهد این گروه را به‌طور کامل از بین ببرد؛ بلکه می‌خواهد تهدید حوثی‌ها را خنثی کند تا از تبدیل شدن یمن به یک نیروی رقیب در شبه‌جزیره عربستان جلوگیری کند. در اینجا، منافع عربستان سعودی و امارات متحده عربی باهم تلاقی می‌کنند. هر دو می‌دانند که ادامه کنترل حوثی‌ها بر کوه‌های صعده و مناطق مجاور، مردم استان‌های جنوبی و شرقی یمن را تشویق می‌کند تا به عنوان ابزاری برای طرد این گروه، به دنبال جدایی باشند.

چنین وضعیتی باعث ایجاد تفرقه در جنوب، از جمله تهدید مردم حضرموت برای جدایی در صورت احیای یک کشور مستقل توسط شورای انتقالی جنوب در جنوب این کشور خواهد شد. رئیس سابق پلیس ذبی گفته هر کسی که یمن را دوست دارد باید بداند که این کشور تنها با دوریه مستقل و همکار - یعنی شمال و جنوب - می‌تواند زنده بماند. رئیس شورای انتقالی جنوب از عادی‌سازی روابط بین امارات و اسرائیل در سال ۲۰۲۰ تمجید کرد. او معتقد است که عادی‌سازی با اسرائیل به یمن جنوبی کمک می‌کند تا استقلال و شناخت جهانی مورد نیاز برای ایجاد مشروعیت را به دست آورد.

عربستان سعودی با آغاز کمپین خود در یمن در سال ۲۰۱۵، امیدوار بود نفوذ منطقه‌ای خود را افزایش دهد. اما دخالت این کشور در یمن فاجعه‌بار بوده است. یکی از پیامدهای این فاجعه، ظهور امارات متحده عربی به عنوان یک بازیگر زیرک‌تر و تأثیرگذارتر در منطقه بود. امارات متحده عربی نفوذ خود را در جنوب یمن گسترش داد و اتحادهای منطقه‌ای خود را در خارج از محدوده نفوذ عربستان تقویت کرد که منجر به کاهش نقش سنتی پادشاهی

عربستان در خلیج فارس و جهان عرب شد.

امارات متحده عربی کنترل جزیره

استراتژیک سقطری را به دست گرفت

و ساخت تأسیسات نظامی در آنجا و همچنین در جزیره پریم را آغاز کرده است. این کشور پس از اخراج ساکنان جزیره عبدالکری، یک پایگاه اطلاعاتی با اسرائیل در آن تأسیس کرده است تا بر کشتیرانی در دریای سرخ و خلیج عدن نظارت کند. درحالی‌که عربستان سعودی هنوز سیاست قاطعی در مورد یمن ترسیم نکرده است، امارات متحده عربی به عنوان یک قدرت دریایی قابل توجه در حال ظهور است.

ترجمه: آریا صدیقی



سیاستمداران



لغو تحریم‌های سوریه

روز گذشته انگلستان تحریم‌ها علیه سوریه را لغو کرد تا از سرمایه‌گذاری در خدمات مالی، تولید انرژی و سایر بخش‌ها جهت بازسازی سیستم مالی این کشور حمایت کند. لندن همچنین توقیف دارایی‌های وزارتخانه‌های دفاع و کشور سوریه و مجموعه‌ای از سازمان‌های اطلاعاتی این کشور را لغو کرد. همیش فالدونر، معاون وزیر امور خارجه انگلیس در بیانیه‌ای گفت: «مردم سوریه شایسته فرصتی برای بازسازی کشور و اقتصاد خود هستند و سوریه‌ای باثبات در راستای منافع ملی انگلیس است.» وزارت امور خارجه سوریه در بیانیه‌ای اعلام کرد که این اقدام گامی سازنده به‌سوی عادی‌سازی روابط بین المللی است. در ماه مارس (فروردین)، دولت انگلیس دارایی‌های بانک مرکزی سوریه و ۲۳ نهاد دیگر از جمله بانک‌ها و شرکت‌های نفتی را آزاد کرد. دولت انگلیس اعلام کرد که اصلاحات قانون تحریم‌ها به آن اجازه می‌دهد تا فشار اسد رئیس‌جمهور سابق سوریه و نزدیکانش را در قبال اقدامات‌شان در زمان حضور در قدرت پاسخگو حفظ کند.



طرح عربی اسلامی برای غزه

عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر روز گذشته به مناسبت چهل و سومین سالروز آزادسازی شبه‌جزیره سینای مصر گفت: «جنگ مستمر در نوار غزه همه چیز را ویران کرده و منجر به کشته شدن ده‌ها هزار نفر شده و یک فاجعه انسانی شرم‌آور را به وجود آورده که در تاریخ ثبت خواهد شد.» طبق گزارش تلویزیون العربی، السیسی تأکید کرد: «بازسازی نوار غزه باید بر اساس طرح عربی - اسلامی بدون کوچاندن مردم غزه صورت گیرد.» وی تأکید کرد: «صلح عادلانه و فراگیر تنها با تشکیل کشور مستقل فلسطین براساس قطعنامه‌های بین‌المللی ممکن است. مصر همانطور که در طول تاریخ نشان داده است یک سد مستحکم در برابر تلاش‌ها برای از بین بردن مسئله فلسطین است.» رئیس‌جمهور مصر گفت: «ما از همان آغاز به‌طور قاطعانه با کوچاندن فلسطینی‌ها به خارج از سرزمین خود مخالفت کردیم. موضع ما ثابت است و ما خواهان اتش‌بس در نوار غزه، آزادی آسرا و ورود کمک‌ها شدیم.»



شکاف در نسخه‌های پیشنهادی صلح

مجموعه پیشنهادات ارائه‌شده در مذاکرات بین مقامات آمریکایی، اروپایی و اوکراینی در پاریس در ۱۷ آوریل و در لندن در ۲۳ آوریل، جزئیات عملکرد دیپلماتی رفت و برگشتی در جریان تلاش دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، برای پایان دادن سریع به جنگ را آشکار کرد. حوزه‌های اصلی اختلاف در این دو متن، به ترتیب حل مسائل مربوط به قلمرو، لغو تحریم‌ها علیه روسیه، تضمین‌های امنیتی و اندازه ارتش اوکراین است. در حالی که برخی از این اختلافات توسط منابع نزدیک به مذاکرات برجسته شده‌اند، اسنادی که روبرتز مشاهده کرده است، برای اولین بار این اختلافات را به‌طور کامل و با جزئیات صریح بیان می‌کنند. به گفته منابع نزدیک به مذاکرات، متن اول منعکس‌کننده پیشنهادات ارائه‌شده توسط استیو ویتکاف، فرستاده ترامپ، به مقامات اروپایی در پاریس است که به‌نوبه خود با اوکراینی‌ها منتقل شد. مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، این پیشنهادات را «چارچوبی گسترده» برای شناسایی اختلافات بین طرفین توصیف کرد.